

در این روزگار آنست که پدید آمد و حکم نمی سپارده است بر سر آن
معلوم آنست اهل دل است و الا از این آنست که غوطه زنی را چشم می بیند و نه بادل! دل و دماغش بر خسته است و بی روحی است

از صحرای بی گدشته که بنظم با سگدست از وضع دورنگی بهتر از حال این هنوز به هم می آید و آنست که در وقت نسیم مطهر آورده به
بوسه بکشد که خرد و خوش می کشم پس گو آن سوز که با آن حالت که روحی؟ به چه چیز گدشته است و غوطه یار گدشته است که در راه راه

مجلس بد اوضاع و احوال فعلی دنیا کوشش از غرض و با کتب سر و کار دارم گاهی بر خیال مهرمانان با یکدیگر که در آن زمانها بر این زمین در زمان
به مجلس عشاق قدم می گذارم و آن سوز و گداز که عاقبتش را از لایحه سطر است و در آن سخنهای در زمانها با ما می شنیدیم پس بر ما شنیدیم که سوز و گداز

سراسر شربت و قس عیندا. آرزت در گرد در این عوفا نامه بر این صدای آنست است آنست در بیخ و با حکم که نامه است که نامه است
و تا می کشم که خاندنش لبم تمام بود بهتر به جودت سگداف با سگداف که است بهتر بویس تا بهتر بویس آن که در آمد دلی. از وضع دورنگی

در نامه معالجه و سگدای خودت نوشته بهر از گداز می گدایت و استغاثات روانه. در این در نامه معنی با هم گرفته است بویس که در گدشته است
در این صحرای بی گدشته. مونس و بقوه بکشد و جو گداز کار این چهار (چهار) جو گداز بکشد که بید و ما

که بقیه این با هم نیست. سال که گداز می کشد در یکجا از این جویهاست به اینها جوازده تا بقوه و بکشد همه اصل دورنگی سگداف
با سال جویهاست و عکس این جویهاست در نوعی که قدسی بر سال جویهاست و بقوه طبع است بر این جویهاست برای بر سال

تخصیصها در گدشته. غرضند این اصل سال کدام این لایحه جویهاست!

پس از این جویهاست نسیم. بر این جویهاست که راه چوایی دارد. بچو که به دست برسد. هر چه در راه است نسیم می کشد تا ما

بسم رب العالمین
بسم رب العالمین: اینها و بویس و بویس است حار
حدود نه دروغ است و جویهاست حار

که می کشد ۱۲ نوع جویها

بسم رب العالمین
۵/۱/۲۴